

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

وجیهه محمدی دوست

* مهدی قاسمی

نقد و بررسی روش‌های نوین تبلیغی تبشیریان در کشورهای اسلامی

با تأکید بر فرقه کریسلام

چکیده

از ابتدای تاریخ مسیحیت، مبشرین مسیحی برای دعوت مردم به انجیل روش‌های متفاوتی را به کار می‌گرفتند. در عصر حاضر تعارض مسیحیت با فرهنگ بومی در جامعه اسلامی باعث شد مبشرین کمتر به موفقیت برسند و لذا از روش‌های افراطی برای استحاله فرهنگ جامعه اسلامی استفاده کردند. این روش که با نام کریسلام شناخته می‌شود، مخالفان زیادی در مسیحیت دارد. چراکه این تهاجم هویتی به جامعه اسلامی است و نمی‌توان اسم تبلیغ دین بر روی آن گذاشت. در این مقاله به معرفی کریسلام و بررسی نظرات مخالفان و موافقان مسیحی و نقد اجمالی آن پرداخته شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نیاز جامعه امروز تحقیق و پژوهش در تبشیر پست مدرن مسیحیت است تا بتوان با هجمه‌های متعدد و متفاوت علیه اسلام مقابله کرد.

واژگان کلیدی: اسلام، مسیحیت، تبشیر، روش‌های تبشیر.

* دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه خراسان

* دکتر مهدی قاسمی، استاد راهنما

طرح بحث

تبشیر در لغت به معنای «بشارت دادن» و «مژده آوردن» است و خود واژه‌ی انجیل نیز به معنای بشارت و نوید است.

اصطلاح تبشیر در قرون اخیر از نظر مفهوم و مصداق توسعه یافته و به هر نوع خدمت یا مأموریت (میسون) برای اعتلای «کلمهٔ مسیح» در داخل یا خارج از جوامع مسیحی، اطلاق می‌شود.

بر این اساس، تبشیر بر دو نوع است:

درون دینی، یعنی تبشیر در بین مسیحیان مستقر در جهان اسلام، مانند ارمنی‌ها و آسوری‌ها و نسطوری‌ها که شامل خدمات‌های تبشیری و به‌ویژه مبارزه با بدعت است؛

برون دینی، یعنی تبشیر در میان غیر مسیحیان از جمله مسلمانان چه در سرزمین‌های اسلامی باشند چه در سرزمین‌های غیر اسلامی.

مسیحا یا مسیح یا ماشیحا به معنی لغوی «مسح شده» است؛ و در معنای اصطلاحی ایده‌ای در ادیان ابراهیمی به معنی «رهبری است که توسط خداوند انتخاب شده باشد.» این فرد معمولاً شاه یا کاهنی است که توسط روغن مقدس مسح شده باشد.

کریسلام از نظر لغوی ترکیب بین کریستین و اسلام است، در اصطلاح به: «مسلمانانی که پیرو عیسی مسیح و کلیسا هستند» گفته می‌شود.

در مدل کریسلام هیچ مسلمانی مسیحی نمی‌شود، بلکه مسلمانان با اعتقادات مسیحیان زندگی می‌کنند و فقط ظاهر اسلامی دارند، تلاش کریسلام استحاله آرام اسلام و حفظ ظاهر اسلامی است تا بدون هیچ مانعی در جامعه رشد کند؛ و به تبع تغییر عقاید اسلامی مردم، سبک زندگی مردم نیز از اسلام فاصله خواهد گرفت.

سابقه مسیحیت تبشیری به اوایل قرن هجده میلادی برمی‌گردد، ولی فرقه کریسلام عنوان جدیدی است که سابقه تألیفی آن بسیار محدود است. شاید بتوان گفت که خیزش مخفیانه و آرام آن را می‌توان علت این ناشناختگی دانست.



به تازگی کتابی با عنوان «نقدی بر کریسلام» نوشته سید جعفر هاتف الحسینی در حوزه علمیه اصفهان چاپ شده که هنوز در دسترس عموم قرار نگرفته است. نیاز جامعه امروز تحقیق و پژوهش در تبشیر پست مدرن مسیحیت است تا بتوان با هجمه‌های متعدد و متفاوت علیه اسلام مقابله کرد.

الف. مسیحیت تبشیری و جلوه‌های تبلیغی آن

در حال حاضر تبشیر و رویکردهای سنتی تبشیری در جهان هم چنان زنده است. فقط راهکارها و ترفندهای اجرایی آن‌ها برای ترویج انجیل متعدد و متغیر شده است. خوب است برای آشنایی بیشتر با نحوه عملکرد مبشرین در جوامع اسلامی و سایر ادیان غیر مسیحی، به بررسی جلوه‌هایی از تبلیغ آن‌ها پردازیم.

تبشیر مبلغین مسیحی به عرصه‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند که به قرار زیر است:

۱. عرصه‌ی فرهنگی مثل احترام به آداب و رسوم شرقی، بهره‌برداری از تعالیم اسلام، توجه به زندگی شخصی و اخلاقی خصوصی، تحریف علوم و معارف اسلامی (ترسیم تصاویر ناموزون از اسلام)، زبان (برای ارتباط برقرار کردن با دیگران) و آموزش و پرورش.

هانری چسب می‌گوید: تأسیس مدارس شرط اساسی تبشیر و واسطه‌ی آن است. به این وسیله بود که انجیل به مناطق مختلفی راه یافت. (آشنایی با ادیان بزرگ، نوشته: حسین توفیقی).

فعالیت‌های آموزشی این هیئت‌های تبلیغی عبارت‌اند از:

- مدرسه‌سازی و استفاده رایگان از امکانات و لوازم‌التحریر و ...

- تأسیس آموزشگاه و همچنین مدرسه‌ای به نام کودکان نور عیسی برای بچه‌های یتیم و بی‌سرپرست.

- انتشار مطبوعات و نشریات و... واتیکان در سراسر دنیا، پنج هزار مجله و روزنامه با دو میلیارد تیراژ. (معرفی عهد جدید، نوشته: مریل سی تنی، ترجمه: طه میکائیل)

- تبلیغات و فناوری مثل رسانه‌ها، رادیو و تلویزیون.



- هنر (سینما، موزه، عکاسی، نقاشی و...)

۲. عرصه‌ی سیاسی یعنی در هر منطقه‌ای متناسب با شرایط یک حرف کاملاً منطبق با آن شرایط از طرف مبشرین مسیحی مطرح می‌شد. برای اینکه خودشان را به آن مردم و عقایدشان نزدیک جلوه دهند.

مثلاً سفیر پاپ در ترکیه طی مصاحبه‌ای می‌گوید لائیک ایدئولوژی خوبی است. (تونی لین، ۱۳۸۶، ص ۹)

۳. عرصه‌ی اجتماعی مثل کمک‌های بلاعوض، ازدواج و بهداشت و درمان. آن‌ها از این راه نتایج بسیار خوبی به دست آورده‌اند و استدلالشان هم این است که: هر کجا بشر باشد، مرض نیز هست. مرض نیاز به طبیب دارد و هر کجا احتیاج به طبیب باشد فرصتی برای تبشیر و تبلیغ است.

گروه‌های اجتماعی که دارای بیشترین اهمیت و اولویت در برنامه‌های جذب گروه‌های مبلغ مسیحیت در ایران هستند عبارت‌اند از: دانشجویان، معتادان، مخالفان سیاسی نظام، دختران فراری، کودکان خیابانی، لائیک‌ها، معلولان جسمی و مبتلایان به بیماری‌های صعب‌العلاج.

یکی از راه‌هایی که مبشرین مسیحی زیاد از آن استفاده می‌کنند ادعای معجزه است. تصاویر و فنون تولیدشده توسط دستگاه‌های تبلیغاتی مسیحیت عمدتاً در بخش ویژه‌ای شامل معجزات مورد ادعا واقع می‌شود. زنان و افراد پیر و مسنی که از بیماری‌های سخت نجات یافته‌اند بیشترین حجم تبلیغات را به خود اختصاص می‌دهند.

در حقیقت این دسته از مبشرین مسیحیت امیدوارند با بزرگ‌نمایی پیرامون احتمال انجام معجزه در قبال بیماران و گرفتاران، (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۰) طمع ناآگاهان را در جذب به مسیحیت برانگیزند.

از طرفی ادعاهای مکرر کشف و شهود از طرف کشیشان تلویزیونی و خانگی آن قدر مطرح شده و ادامه پیدا کرده است که در حال حاضر حتی بسیاری از گروندگان تازه وارد نیز ادعای کشف و شهود می‌کنند. حالا ملاک صحت و یا کذب ادعایشان چیست؟ و



ملاک کشف و شهودشان چیست؟ و... همه‌اش جای بحث جدی دارد زیرا افراد به محض ایمان به مسیح (علیه‌السلام) تا مرز قدیس بودن پیش می‌روند و از طرف مبشرین مسیحی این مطلب به آن‌ها القاء می‌شود! که این طبق چه مبنایی است محل تأمل و دقت است. (توماس میشل، ۱۳۹۶: ص ۴۹)

۱. مبنای مدل تبشیری کریسلام

مبشرین مسیحی همیشه تلاش می‌کردند مسیحیت را در نقاط مختلف جهان گسترش دهند. مدت‌ها بود که مبشرین مسیحی از غرب به دنیای اسلام می‌رفتند. به خصوص در این چند قرن اخیر ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ این مبشرین زحمت زیادی کشیدند و خیلی تلاش‌ها برای دعوت به مسیحیت کردند، اما اکثر مسلمانان جواب مثبتی به دعوت انجیل ندادند. خیلی از میسیونرها بودند که رفتند و زندگی‌شان را فدا کردند ولی در آخر تنها چند نفر از اسلام به مسیحیت جذب شدند، البته اکنون شرایط بسیار تغییر کرده است.

انگیزه ایجاد جنبش درونی مسلمانان به نسبت آن قرن‌های ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ بالا رفته است و وضعیت تغییر کرده است.

اگر کسی آن موقع از جامعه مسلمانان می‌خواست مسیحی بشود باید از محیط جامعه اسلامی جدا شده و وارد کلیسا می‌شد. در کلیسا هم که خارجی‌ها و اقلیت‌های مسیحی بودند. و فرد تازه مسیحی شده هیچ‌آشنایی با این آئین و مراسم نداشت و احساس بیگانگی می‌کرد. (مصاحبه با کشیش دکتر ساسان توسلی در سایت آپارات)

همین بیگانگی یکی از عوامل عدم رغبت به تغییر آیین است؛ و از مهم‌ترین موانع برای پیشروی مبشرین مسیحی در امر تبلیغ.

این رکود گسترش و خطر به انزوا رفتن مسیحیت هشدار جدی برای مبلغین مسیحیت بود.

مسیحیت در مورد تبشیر در جهان اسلام مشکلات زیادی داشت، با وجود تلاش بسیار و شبانه‌روزی اما به موفقیت‌های کمتری دست پیدا می‌کردند.



یکی از مهم‌ترین دلایل کندی پیش‌روی مسیحیت در اقوام گوناگون به‌ویژه کشورهای اسلامی این بود که هویت جامعه اسلامی بسیار محکم و قوی بود و نفوذ به چنین فرهنگ و اعتقادات پایداری بسیار مشکل بود.

به همین خاطر با سال‌ها تلاش فقط عده‌ای محدود نسبت به کل جامعه اسلامی تغییر کیش به مسیحیت می‌دادند؛ و درگذشت زمان نسل تازه مسیحیان از بین می‌رفت و جامعه اسلامی بزرگ‌تر از قبل می‌شد. (مصاحبه خیرگزاری حوزه علمیه اصفهان با جناب آقای سید جعفر هانف الحسینی نویسنده کتاب نقدی بر کریسلام در میسولوزی)

و این سیر منتهی به انزوا و در اقلیت ماندن مسیحیت می‌شد؛ و این همان چیزی هست که هر دین و آئینی از آن گریزان است. لذا با همفکری مبشرین باتجربه در تبلیغ بین ادیان غیر مسیحی به این نتیجه رسیدند که باید در روش‌های تبشیر خود تحولاتی را ایجاد کنند.

بهترین راه برای توسعه انجیل در هر فرهنگی این است که مردم از جامعه خودشان جدا نشوند در درون جامعه خودشان بمانند ولی پیرو مسیح باشند، در همان جایی که هستند.

در این میان بیشتر صحبت سر فرهنگ اسلامی هندو و بودائی بود به خصوص در قرون ۱۹ و ۲۰ که مسیحیت بیشتر با غربی شدن شناخته می‌شد و مفهومی این بود که اگر مسیحی بشوی یعنی باید غربی بشوی، باید یک دین غربی را قبول کنی و فرهنگ خودت و قوم خودت را انکار کنی و از نژاد و ادبیات و زیبایی‌ها و اصالت خانوادگی خودت جدا بشوی.

پس این طرز فکر مطرح شد که ما نمی‌خواهیم کسی را غربی بکنیم که فکر کنند مسیحیت یعنی اینکه باید بیایند و کراوات بزنند و مشروب و گوشت خوک بخورند و کت و شلوار بپوشند و در کلیسا بنشینند و... این‌ها چهره‌های مسیحیت در غرب و اروپاست. مسیحیت را باید بومی کرد. انجیل و مسیح متعلق به هیچ قوم خاصی نیست تنها متعلق به اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها نیست، پس هدف بومی کردن ایمان مسیحی است.

لذا هر فرهنگی باید بتواند مسیح را مطابق با فرهنگ خودش و در چهارچوب ادبیات و آداب و رسوم خودش تجربه کند. با چنین نیتی این طرز فکر بین مبشرین شکل گرفت. (مصاحبه با دکتر ساسان توسلی)



۲. هدف مبشرین مسیحی

سخن آن‌ها به طور کلی این است که؛ ما نمی‌خواهیم یک مسیحیت غربی ارائه دهیم، مسیحیتی که لازم باشد فرد به اصول و فرهنگ و آداب خودش پشت کند. ما می‌خواهیم انجیل را بشارت بدهیم و شخص در همان فرهنگ و جامعه و رسوم خانوادگی خودش بماند.

یکی از طرح‌هایی که به ظاهر خلاقانه و جدید مطرح شد، ایده‌ی کریسلام بود. عنوان جدید و کمتر شنیده‌شده‌ای که قادر بود نقطه‌ی عطفی را در مسیر تبشیر برای مبلغین مسیحی رقم بزند.

به گونه‌ای که هم به جهت جدید و ناشناخته بودن برای مخاطبین به‌ویژه جوانان جذاب بود؛ و نیز چون عنوانی مابین اسلام و مسیحیت داشت، از حساسیت و تعصبات دو گروه نسبت که جذب پیروانشان به آن، می‌کاست. غافل از اینکه با این ساده‌اندیشی با دست خود فرهنگ و اصالت و اعتقادات خود را به دست فراموشی می‌سپارند. این‌ها برخی از عوامل نفوذ این فرقه‌ی جدید در میان جوامع غیر مسیحی به‌ویژه مسلمانان است.

کریسلام از نظر لغوی ترکیب بین کریستین و اسلام است. در اصطلاح: به مسلمانانی که پیرو عیسی مسیح و کلیسا هستند، گفته می‌شود. در فرقه کریسلام هیچ مسلمانی مسیحی نمی‌شود بلکه مسلمانان با اعتقادات مسیحیان زندگی می‌کنند و فقط ظاهر اسلامی دارند. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)

۳. مسلمانان پیرو مسیح

این ایده جدید در کشورهای چینی اندونزی و بنگلادش و آفریقا نیز مطرح شده و در نتیجه اشخاصی مشغول رواج انجیل هستند که معتقدند همراه با این اعتقاد هویت مسلمانی خود را نیز حفظ می‌کنم، اما پیرو عیسی مسیح هستیم. این طرز فکر کلی و اساس این جنبش درونی مسلمانان است.



اینکه فرد را نباید از فرهنگ و جامعه و ارتباط‌هایش بیرون کشید، بلکه باید گذاشت که در همان فرهنگ و جامعه و حتی مذهبش باقی بماند، چون خدا کاری با مذهب و دین ندارد خدا دنبال قلب است.

آن شخص می‌تواند بگوید من مسلمانم اما پیرو مسیح هستم که تعبیر فارسی اصطلاح انگلیسی این جریان «پیروان مسلمان مسیح» می‌باشد.

این کلام شاید برای یک مسلمان حرف تناقض آمیزی باشد و این نهضت خیلی نهضت بحث انگیزی در جامعه مسیحیت و جامعه بشارتی دنیای غرب شده است.

۴. یهودیان مسیحایی

گروه‌هایی با دین یهودی هستند که جزء پیروان عیسی مسیح شمرده می‌شوند؛ که ترجمه واژه انگلیسی آن می‌شود: «یهودیان مسیحایی»

آن‌ها می‌گویند من ایمان دارم که عیسی ناصری منجی موعود است ولی هنوز آداب و رسوم یهودی‌ام را نگه می‌دارم مثلاً شنبه‌ها در گروه‌مان جمع می‌شویم و اما پیرو عیسی مسیح هستیم.

در این جنبش فرد می‌تواند هویت خود اعم از بودا و مسلمان و هندو و یهود و... را به عنوان مذهب خود در جامعه‌ای که به آن تعلق دارد حفظ کند، ولیکن تحت رهبری و خداوندی عیسی مسیح و اقتدار کتاب مقدس باشد و عیسی را با هر عنوانی که دارد متابعت کند. یعنی این پیروان مسیح یک شکل و چهره ثابت و خاص ندارند؛ که در جهان به آن عنوان و سیره شناخته شوند. کسانی که مدافع این فرقه و جنبش هستند تمامشان یک طرز برخورد و یک روش مشخص ندارند.

۵. انواع گروه‌های مسیحی در جامعه اسلامی

یکی از محققین مسیحی که سال‌ها در اندونزی مشغول به ترویج مسیحیت بوده است، چند طیف کلیسایی را در جهان و به‌ویژه جامعه اسلامی طراحی می‌کند.



از نظر او در جهان اسلام چند نوع برخورد با مسیحیت وجود دارد.

مخفف نام لاتین هر طیف را با حرف C نشان می‌دهد که به معنای «جوامع مسیح محور» است.

در اینجا به معرفی مختصری از هر گروه می‌پردازیم.

طیف اول: به گونه‌ای است که کلیسا در کشور اسلامی به صورت شناخته شده و آشکار است، ولیکن زبان موجود در کلیسا اصلاً زبان بومی و محلی نیست. مثل کلیساهای ارمنی و آشوری و... در ایران.

در این شرایط یک مسلمان و ایرانی نمی‌تواند به پیغام انجیل دسترسی داشته باشد. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)

در خاورمیانه و کشورهای خلیج فارس نیز همین طور است. کلیساهایی وجود دارد برای خارجی‌ها و یک عرب نمی‌تواند وارد آن کلیساها بشود و استفاده کند.

طیف دوم: نیز به همان صورت کلیسا در کشور به صورت شناخته شده هست، ولیکن نه به زبان خارجی بلکه به زبان بومی آن منطقه.

مثلاً در مصر کلیسای انجیلی هست که تمام ظواهر و آداب و رسوم مراسم آن به صورت اروپا است، اما به زبان عربی صحبت می‌کنند نه به زبان قبطی.

در این طیف دوم درست است که زبان بومی است ولیکن آداب و رسوم و... هیچ تناسبی با فرهنگ بومی منطقه ندارد.

طیف سوم: مانند دو گروه قبل کلیسا وجود دارد و اعضا همگی مسیحی هستند و علاوه بر زبان بومی آداب و رسوم فرهنگی (و نه دینی) را نیز در برنامه‌های خود استفاده می‌کنند، مثلاً از آلات موسیقی و رسومات فرهنگی قوم خود استفاده می‌کنند.

طیف چهارم: باز هم به همان صورت کلیسا و مراسم وجود دارد و زبان و فرهنگ و آداب و رسوم بومی است و علاوه بر همه این‌ها از امورات فرهنگی و دینی که ضدیتی با تعالیم مسیح ندارد نیز استفاده می‌شود.



طیف پنجم: گروهی هستند که خودشان را به عنوان مسلمان معرفی می‌کنند، مسجد می‌روند و نماز می‌خوانند و شهادتین می‌گویند و قرآن هم می‌خوانند ولیکن می‌گویند که ما به عیسی مسیح ایمان داریم و برای باقی ماندن بر اسلام و رفع تعارضات با مسیحیت یکسری تعبیر دینی و تعالیم قرآنی را برای خود عوض می‌کنند به طوری که تناقضی با ایمان به مسیح نداشته باشد. هم مسیح را به عنوان خداوند نجات دهنده قبول دارند و هم مسلمان هستند؛ و جامعه و هویت اسلامی خود را حفظ می‌کنند.

طیف ششم: گروهی هستند در جامعه اسلامی که به حضرت مسیح ایمان آورده‌اند، اما به خاطر ترس از جفا و اذیت اطرافیان و طرد شدن از جامعه و... ایمان خود را پنهان نگه می‌دارند.

در این گروه‌های شش‌گانه گروه ۱ تا ۴ خود را مسیحی اعلام می‌کنند و جامعه هم آنان را به عنوان مسیحی می‌شناسد؛ و هویتی مسیحی دارند؛

اما طیف پنجم خود را مسلمان معرفی می‌کنند و هویت اسلامی خود را در قالب اعتقادات جدید حفظ می‌کنند. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)



۶. نقد و بررسی کریسلام

آیا تلاش مبشرین برای ایجاد هم‌رنگی با جامعه اسلامی برای ترویج انجیل نشانه بی‌ایمانی نیست؟

آیا می‌توان گفت که این افراد به کار خدا اعتماد نمی‌کنند و دنبال تلاش و اختراع وسایل انسانی برای بشارت هستند تا مردم به مسیح روی آورند؟

در مورد ابعاد مختلف این مسئله نظرات گوناگونی در بین مبشرین مسیحی وجود دارد.

عده‌ای کاملاً موافق بوده و عده‌ای کاملاً مخالف و برخی با برخی ترفندهای مبشرین موافق و با برخی مخالف‌اند.

در این میان به طرح نظرات دکتر ساسان توسلی کشیش مسیحی می‌پردازیم.

وی در مورد سؤالات مطرح شده می‌گوید: ابتدا من هم در مورد این سؤال جبهه می‌گرفتم این که آمریکایی‌ها معتقدند باید همه چیز کاربردی باشد، جواب بدهد و نتایجش را زود ببینیم این بی‌وفایی یا حقه بازی و... است.

من اول این گروه را این طوری داوری می‌کردم شاید یک عده هم در این‌ها این‌گونه باشند نه اینکه هیچ‌کدام این‌گونه نیستند ولی با افراد سرشناس این گروه آشنا شدم که واقعاً ایمان دارم این مبشرین آمریکایی که پیرو این روش هستند واقعاً مسیح را دوست دارند و افراد با ایمانی هستند، خیلی هم برای مسیح بها دادند، حتی جانشان را در خطر انداختند در کشورهای مختلف، ولی واقعاً احساس می‌کنند که این کاری است که روح‌القدس دارد امروز می‌کند.

خیلی از آدم‌ها این طوری دارند به مسئله نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند این یک کار جدید خداست و در جوامع اسلامی، به خاطر اینکه مسیحیت در دنیا به عنوان یک دین غربی مطرح شده و آن تصویری که در هالیوود از مسیحیت ارائه می‌شود، مانع می‌شود این افراد با انجیل روبه‌رو شوند.

این کار جدید خدا است. پس من قلب‌های همه‌شان را داوری نمی‌کنم که این نشانه‌ی بی‌ایمانی یا نشانه حقه بازی یا دنیوی بودن است یا نه؟

بعضی هایشان واقعاً درگیر بودند در دنیای اسلام، واقعاً بها دادند احساس می‌کنند این یک کار جدید خدا است.

البته بنده مخالف این نظریه هستم، اما در مورد انگیزه‌های آنان نمی‌توانم قضاوت کنم خیلی هایشان را من دوست دارم، حرف‌های دوست‌داشتنی می‌زنند.

در همان طیف مدافع این عقیده، میسیونرهای غربی و آمریکایی هستند که رفتند در کشورهای اسلامی، رفتند در مساجد اعتراف به اسلام کردند شهادتین گفتند و گفتند ما مسلمانیم که بتوانند در مسجد به مسیح بشارت بدهند.



خوب این به نظر من شارلاتان بازی است و آن دوستانی که من با آن‌ها سر و کار دارم از این حرکت دفاع نمی‌کنند، موافقین این جنبش دفاعشان از این حرکت است که طرف در خود جامعه اسلامی ایمان آورده، حالا نمی‌خواهد از جامعه‌اش کنده شود، می‌خواهد در همان چهارچوب فرهنگ و آداب و رسوم اسلامی‌اش پیرو مسیح باشد.

نه اینکه یک خارجی برود در مسجد وانمود کند که مسلمان است و بعد بشارت به انجیل بدهد.

پس این‌ها می‌گویند که این کار جدید خدا است و مسیح می‌خواهد ملکوتش در همه جا توسعه پیدا کند و انجیل در هر قومی ریشه بدواند. پس من قلب کسی را قضاوت نمی‌کنم ولی با این روش کار خودم موافقتی ندارم.

ب. کریسلام و تناقضاتش با قرآن

زمانی که مبشرین مسیحی به ویژه آمریکایی‌ها، تنها هدف خود یعنی رواج انجیل را در نظر گرفته و با هر وسیله‌ای همچون کریسلام، هدف خود را دنبال کردند، به تناقضات و تعارضاتی که ممکن است پیش بیاید توجه عمیقی نکردند.

با بروز نخستین تناقضات شروع به توجیحات سطحی و غیر منطقی کردند؛ که ظاهراً به پیشبرد کار آن‌ها کمک می‌کرد ولیکن حقیقتاً راه حلی اساسی نبود.

دکتر توسلی (کشیش) به برخی تناقضات آن‌ها با قرآن اشاره می‌کند مبشرین این جنبش قرآن را هم قبول دارند ولی به نوعی تفسیر می‌کنند که با عقاید خود در تضاد نباشد.

برخی از آن‌ها آیات قرآن را تا حدی الهامی می‌دانند آیا این درست است؟

در مورد این بحث الهامی بودن قرآن من خودم در سؤالاتم از آن‌ها به جوابی صریح و واضح نرسیدم.

اینجا این سؤال مطرح می‌شود که شما با تناقض موجود بین آیات قرآن و مفاهیم انجیل چه می‌کنید؟ برای کسی که هم مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول دارد و هم مسجد می‌رود و نماز می‌خواند؟



البته برای بار چندم می‌گوییم که من موافق این افراد و این نوع تبشیر نیستم.

اما در مورد دیدگاهشان نسبت به قرآن، آن‌ها می‌گویند: قرآن را باید جدای از تفسیر آن در طول تاریخ اسلام دانست. قرآن ایمان به مسیحیت را انکار نمی‌کند، قرآن حرف‌های انحرافی مسیحیت را انکار می‌کند؛ یعنی مسیحیت حقیقی، ارتودوکس و راستین را انکار نمی‌کند، برداشت‌های اشتباه از مسیحیت را انکار می‌کند. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)

۱. دیدگاه قرآن کریم در مورد تثلیث

مثلاً قرآن تثلیث را انکار نمی‌کند، برداشت قرآن از تثلیث با برداشت مسیحیان یکسان نیست و متفاوت است. قرآن سه خدایی را انکار می‌کند این که خدا و مریم و مسیح را بپرستند انکار می‌کند و تثلیثی که مسیحیان به آن اعتقاد دارند، اصلاً در قرآن مطرح نشده است.

قرآن رابطه مادی و فیزیکی خدا با مریم را به عنوان پدر مسیح انکار می‌کند، قرآن صلیب مسیح را انکار می‌کند.

در سوره نساء قرآن اشاره می‌کند: که مسیح را نه کشتند و نه به صلیب کشیدند بلکه تشبیه شد، مشتبه شد.

و در سوره مریم می‌گویند که مسیح می‌گوید: روزی که من به دنیا می‌آیم و روزی که من بمیرم و روزی که مجدداً زنده بشوم.

حالا اسلام این را طوری می‌گوید که مسیح روزی زنده می‌شود و برمی‌گردد و بعد رستاخیز می‌شود.

اما این‌ها می‌گویند که مسیح مرده و کشته شده و در قرآن گفته یهودیان مسیح را نکشتند نه اینکه اصلاً کشته نشده. آن‌ها این طوری می‌خواهند مسیحیت را با اسلام تطبیق دهند. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)



ج. برخی ترندهای کریسلام برای رفع تناقضات

مبشرین توجیهاتی را برای رفع تناقضات مسیحیت و اسلام ارائه می‌دهند که از هر دو طرف چه بین مسلمانان و سایر ادیان و چه در بین خود مسیحیان پذیرفتن آن آسان نیست. آن‌ها می‌گویند که الهیات اساسی اسلام با اساس معارف مسیحیت تناقضی ندارد، اگرچه در تاریخ اسلام علیه مسیحیت خیلی حرف‌ها زده شده، ولیکن چیزی که در خود قرآن هست بر ضد ایمان مسیح نیست.

آن‌ها از آیاتی استفاده می‌کنند که در قرآن، مسیح را به «کلام الله» و «روح‌الله» خوانده است، از این آیات استفاده می‌کنند برای اثبات این که بگویند خود قرآن نیز مسیح را منحصر به فرد می‌داند، مسیح فقط یک پیامبر نیست، مسیح «کلام الله» و «روح‌الله» است مسیح حیات به وجود می‌آورد، مسیح مرده زنده می‌کند.

پس این‌ها می‌خواهند با این برداشت‌هایشان اثبات کنند که قرآن خیلی به مسیحیت نزدیک‌تر است از الهیات و تفسیرهای آن در طول تاریخ اسلام. علاوه بر آن توجیهات ناسازگار با عقاید مسیحیت و اسلام دست به کارهای دیگری نیز زدند.

سازمان‌هایی در جهان در حال تلاش برای اختراع روشی جدید برای ترویج مسیحیت به ویژه بین مسلمانان هستند که یکی از اقدامات آن‌ها ایجاد تغییراتی در ترجمه انجیل است. بعضی از کلمات اساسی و کلیدی که در مسیحیت خیلی مهم است مثل پسر خدا، پدر و این‌ها را تغییر دادند به یک نام و القاب دیگری که باعث بحث بسیاری در جوامع مسیحیت شد.

این کلافگی همیشه بوده که یک مسلمان خیلی زود پیام انجیل را رد می‌کند. به چه دلیل؟ زیرا شما انجیل را که باز کنید اولین داستانش در مورد این است که مسیح پسر خداست و فرد مسلمان با اولین برخورد می‌گوید، در عقاید ما که مسیح پسر خدا نیست.



دیگر اصلاً به بقیه پیام انجیل گوش نمی‌کند. لذا اینجا یک عده گفتند که پس بیاید انجیل را طوری ترجمه بکنیم که این کلماتی که باعث سوء تفاهم در دنیای اسلام شده و مانع این است که یک مسلمان پیام انجیل را دریافت کند را به حداقل برسانیم. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)

مثلاً در انجیل متا آیه ۲۸ می‌گویند: تمعید بدهید در نام پدر، پسر و روح‌القدس، در ترجمه ترکی می‌گوید: تمعید بدهید در نام ولی و مسیحش و روح‌القدس که این پدر و پسر باعث سوء تفاهم در ذهن یک مسلمان نشود،

به عنوان مثال همین کار یکی از مسائل تنش‌زا در دنیای مسیحیت است.

و به نظر من ما حق نداریم کلمات کتاب مقدس را عوض بکنیم که مثلاً یک مسلمان بتواند این پیغام را قبول کند.

و به فرض هم که مسلمانی بخواند و قبول کند ولی بعد اگر ترجمه دیگری را بخواند می‌گوید: پس شما به ترجمه انجیل دست بردید و تحریف کردید و کلماتش را عوض کردید و این از عوارض این کار است.

دکتر توسلی در ادامه نظراتش پیرامون این توجیهات می‌افزاید:

حالا بحث است که آیا کلمه مهم است یا رساندن مفهوم؟

بحث ما این است که وقتی کلمه پسر را می‌کنیم محبوب و کلمه پدر را می‌کنیم ولی مقدار زیادی از مفاهیم مهم کتاب مقدس را از دست می‌دهیم، این یکی از دلایل مخالفت ما است. (مصاحبه با آقای سید جعفر هاتف الحسینی)

مخالفان تبشیر

تا اینجا بیشتر با نظرات مسیحیان و مبلغان مسیحیت و فرقه کریسلام آشنا شدیم. حال ببینیم نظر بعضی از کشورهای تحت تأثیر این دعوت و آسیب‌دیده از تبشیر چیست؟ شواهد تاریخی گواه بر این است که گاهی مبشرین مسیحی، پیشاپیش استعمار در حرکت



بوده‌اند.

جوهر لعل نهر، نخست وزیر هند می‌نویسد: ابتدا مبلغان مذهبی و به دنبال آن کشتی‌های جنگی می‌آیند و بعد هم تصرف اراضی شروع می‌شود.

هانس کونگ، از اندیشمندان مسیحی معاصر، این واقعیت را انکار نمی‌کند و می‌گوید: در تمام قرون گذشته مبلغان مسیحی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و به ویژه معنوی و فرهنگی یقیناً تابع انگیزه‌های تبلیغی قدرت‌های استعماری بوده‌اند.

نخستین رئیس‌جمهور کنیا گفته است: وقتی اروپائیان به آفریقا آمدند، آنان کتاب مقدس را داشتند و ما زمین؛ زمانی فرا رسید که آنان زمین داشتند و ما کتاب مقدس. (ویل دورانت، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۵۷)



نتیجه بحث

اگر فردی بخواهد به حقیقت ماجرا پی برده و حقانیت و عدم حقانیت این فرقه و سایر ترفندهای مبشران مسیحی برایش آشکار شود، کافی است نگاه متعصبانه به هر کدام از طرفین اسلام و مسیحیت را از خود دور کرده و بی‌طرفانه به معارف دین اسلام و نحوه دعوت به آن توجه نماید.

اینکه کدام دین تمام امتیازات و مشخصات یک دین حقیقی را دارد؟

مزیت یک دین به این است که هم جنبه‌های فطری و احساسی و معنوی و هم جنبه‌های عقلی انسان را ارضاء کند. به این معنا که فرد مبانی و اصول آن دین را فرامی‌گیرد تا مقدمه‌ای باشد برای عمل کردنش، در وهله‌ی اول باید آن دین او را از نظر عقلانی و منطقی قانع کند که این دینی است که ریشه‌ها و پایه‌هایش بر اساس فکر صحیح و سالم و خالی از پیش ذهنیت و تعصب کاملاً قابل پذیرش است و نکته‌ی مبهمی را در ذهن آدمی نمی‌گذارد و می‌تواند او را به کمال برساند و همین اصول، او را به طرف عمل به احکام و شریعت آن دین تشویق کند و شریعتش هم به گونه‌ای باشد که انسان با عمل به آن به تعالی روحی و معنوی و حتی مادی برسد (البته به شرط عمل به تمام قوانینش) یعنی نه فقط صرف یک سری دستورات خشک و بی‌روح باشد و یا این که اصلاً دستور و شریعت و قوانینی برای عمل در کار نباشد و این‌ها هم از جانب خدا باشند نه با جعل بشر این کار صورت گرفته باشد.

دلایل جملات بالا کاملاً روشن است زیرا اگر آن اصول و مبانی و همچنین قوانین از جانب خدا نباشند بلکه از طرف انسان‌ها وضع شده باشند چند اشکال پیش می‌آید:

(الف) جامع و همه بعدی نیستند.

(ب) دائماً در طول زمان در حال تغییر خواهند بود.

(ج) مصون از اشتباه و خطا نیستند زیرا فکر آدمیان از خطا مصون نیست؛ و...

دیگر این که اگر آن دین، الهی باشد باید برای تمام زوایای زندگی ما راهکارها و قوانینی داشته باشد و مهم‌تر از همه این که از جانب خود خالق باشد، زیرا حکیم بودن و لطف او تمام این اقتضات را دارد و این که اگر از طرف خداست در آن تناقض‌گویی و اشتباه نباشد و الا قابل اعتماد نخواهد بود و بسیاری مطالب از این دست که با کمی تأمل می‌توان به آن‌ها پی برد.



این ملاک‌ها را ما فقط در دین اسلام می‌بینیم زیرا خدایی را به ما می‌شناساند که واحد است و جسم نیست و هیچ عیب و نقص و اشتباهی در او راه ندارد. (مقاله مسیحیت تبشیری، سایت پرسمان، اداره تبلیغ نوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها)

یکی از خطرات بزرگ این نوع تبلیغ مسیحیت تحت عنوان کریسلام این است که از فرد مخاطب به طور مستقیم و صریح درخواست خروج از اعتقادات و آداب و رسوم و فرهنگ جامعه خویش نمی‌شود بلکه اتفاقاً از او درخواست می‌شود که در سلوک رفتاری قبل خویش باقی بماند و حتی به مناسک عبادی دین خود پایبند باشد، ولیکن در عین حال به حقانیت دین مسیح و راهنمایی انجیل و سایر معارف دین مسیحیت ایمان قلبی داشته باشد.

از جهت دیگر این نوع سیاست در تبلیغ، یعنی انتخاب عنوانی ترکیبی از اسلام و مسیحیت، مقاومت انسان‌ها برای جذب شدن به چنین دینی و شرکت در برنامه‌های تبلیغی شون شکسته می‌شود و به راحتی برای افراد قابل پذیرش خواهد بود.

امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«سنگ را از همان جایی که دشمن پرتاب کرده، برگردانید. چرا که شر را جز شر پاسخی نیست.» معنای این سخن این است که نباید در مقابل حملات دشمن در فضای تبلیغ ساکت بود و باید حرکتی متناسب با حمله دشمن داشت تا به جا و به موقع استفاده شود تا اثرگذار باشد.

همان‌طور که آن‌ها برای تبشیر خود افراد خاصی را ماهرانه شکار می‌کنند یا زمان یا مکان‌های خاصی را برای تبلیغ خود انتخاب می‌نمایند. ما نیز باید مقتضیات زمان و مکان و شخصیت و... افراد را لحاظ کنیم. تا به نتایج بهتری دست پیدا کنیم.



آن‌ها مزایایی را برای مسیحیت برمی‌شمارند که شاید تمام آن‌ها حقیقت نداشته باشد و یا بهتر و کامل‌تر از آن در دین اسلام باشد، اما متأسفانه به خاطر کم‌کاری ما مبلغین مغفول مانده و مردم از آن‌ها بی‌خبرند.

باید تناقضات کلام مبشرین با اسلام و حتی با اصل دین مسیحیت را استخراج کرده و با روشنگری پیرامون آن مسائل، افرادی که ناآگاهانه جذب چنین فرقه‌هایی شده‌اند را نجات دهیم.



فهرست منابع و مآخذ

✽ قرآن کریم.

✽ نهج البلاغه.

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ.

۲. دورانت، ویل، کتاب تاریخ تمدن جهان، ترجمه: حسین کامیاب، محمدامین علیزاده، لیلا

زارع، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸

۳. سی تنی، مریل، معرفی عهد جدید، ترجمه: طه میکائیل

۴. عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱



۵. شیخ صدوق، معانی الاخبار،

۶. صانعی، مرتضی، تأملی بر رویکرد تبشیر کاتولیکی در جوامع اسلامی، نشریه معرفت ادیان،

سال چهارم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۲ ص ۹۷-۱۱۳.

۷. کرنر، آرل، سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ، ترجمه: آرمان رشدی. کتابخانه تخصصی

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلام (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۹۹۴م. = ۱۳۷۳

۸. لین، تونی، تاریخ تفکر مسیحی، ترجمه: روبرت آسویان، تهران، موسسه نشر فرزانه روز،

۱۳۸۶

۹. مصاحبه با کشیش دکتر ساسان توسلی در سایت آپارات.

(<https://www.aparat.com/v/QvxWf>)

۱۰. مصاحبه خبرگزاری حوزه علمیه اصفهان با جناب آقای سید جعفر هاتف الحسینی نویسنده

کتاب نقدی بر کریسلام در میسیولوژی. (<https://www.hawzahnews.com/951662>)

(/news/

۱۱. مقاله مسیحیت تبشیری، سایت پرسمان، اداره تبلیغ نوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری

در دانشگاه‌ها. (<https://www.porseman.com/search>)

۱۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، تهران، دانشگاه ادیان و مذاهب،

۱۳۹۶

